

عصری خبری

یا

تاریخ امتیازات در ایران

تألیف

ابراهیم تیموری

حق چاپ محفوظ و مخصوص است

شرکت نساج محمدین اقبال شکر

تهران - ۱۳۳۲

چاپ اقبال

مقدمه

در این دوسه سال اخیر که مبارزات ملت ایران برای کوتاه کردن دست بیگانگان از دخالت در امور داخلی کشور وارد مرحله تازه‌ای گردیده مکرراست شمار ملت ایران و اسارت یکصد و پنجاه ساله گفتگو و بیان آمده و در جراید و مجلات مقالات بسیار منتشر شده است و با توجه باینکه دخالت‌های گوناگون استثمارگران خاصه انگلیس‌ها و روس‌های تزاری در قرن نوزدهم نسبت بامور کشورما رنگهای فربب آمیز مختلف داشته و مخصوصا از راه گرفتن امتیازات متعدد و بستن زنجیرهای اسارت بردست و پایی ایرانی بعنوان بهره برداری از منابع مختلف ایران و سوء استفاده از نادانی و بی‌خبری هیأت حاکمه سود پرست این کشور هر یک داستانی تاجر آور و دلخراش دارد که در عین حال بسی قابل توجه و جالب میباشد متاسفانه هنوز راجع باین موارد اطلاعات دقیق و کامل که مستند ب مدارک و اسناد باشد منتشر نشده و عامه مردم از بیشتر این وقایع جانگداز بیخبر مانده‌اند.

چندسال پیش که نگارنده برای تهیه کتاب «تحریم تنباکو - یا - اولین مقاومت منفی در ایران» که شرح یک صحنه از مبارزه دلیرانه ملت ایران بمنظور کوتاه ساختن دست اجانب از امور کشور است در گوشه و کنار مشغول جمع آوری اسناد و مدارک مربوط بآن بودم بمطالب بسیاری راجع بچگونگی اعطای امتیازات برخوردارم و یادداشت‌های زیادی تهیه کردم و پس از فراغ از بچاپ رساندن کتاب مزبور در صدد تنظیم و تکمیل آن یسار یادداشتها برآمدم و اینک بازحمت بسیار قسمتی از آنها را بصورتی که در این کتاب ملاحظه میشود در آورده تقدیم خوانندگان میکنم تا از این راه باندازه توانائی و استطاعت خود خدمتی بروشن شدن افکار هم‌میهنان کرده باشم.

این کتاب که بنام «عصر بی‌خبری - یا - تاریخ امتیازات در ایران» نامیده شده در دو جلد تهیه گردیده و در آن تمام امتیازات سیاسی و اقتصادی عمده‌ای که بیگانگان تا هنگام مشروطیت در ایران تحصیل کرده‌اند شرح داده شده است و جلد اول آن به سه بخش تقسیم میشود.

بخش اول شرح حال و تاریخ زندگانی اشخاص اصلی و مهمی که در اعطای امتیازات دخیل بوده‌اند.

بخش دوم روابط ایران و انگلستان و امتیازاتی که انگلیسها تا آغاز مشروطیت در ایران تحصیل کرده‌اند.

بخش سوم روابط ایران و روسیه تزاری و امتیازاتی که روسها تا ظهور مشروطیت در این کشور بدست آورده‌اند.

بطوریکه در جای خود اشاره شده امتیازاتی که برای ایجاد راه آهن در ایران به بیگانگان اعطاء گردیده و همچنین سایر امتیازاتی که فرانسویها - بلوژکیها - آلمانها - امریکاییها و هلندیها و دیگران در ایران تحصیل کرده‌اند و آنها نیز هر یک داستانی تاثیر آور دارد و قسمت مهمی از تاریخ سیاسی مملکت ما میباشد جداگانه در جلد دوم شرح داده خواهد شد.

این کتاب صحنه‌ایست از مبارزات دولتهای استعماری در قرن نوزدهم که برای بسط نفوذ و تسلط بر کشور ایران و بلعیدن منابع ثروت و وطن ما بایکدیگر دست و پنجه نرم

کرده‌اند و در غالب موارد بواسطه جهالت و بیخبری و طمع هیأت حاکمه این مملکت زبان‌های جبران ناپذیری باستقلال سیاسی و اقتصادی ماوارد ساخته‌اند .

سابقاً برای برقراری تسلط بر کشوری استعمارگران بچنگ و ستیز میبردافتند و با لشکر کشی و زور سر نیزه ملل ضعیف را اسیر و گرفتار میکردند ولی در نیمه دوم قرن نوزدهم کشورهای استعماری روش تازه‌ای اتخاذ نمودند و برای استثمار و استعمار ملل عقب مانده طریقه تازه‌ای پیش گرفتند .

این طریقه جدید عبارت بود از روی کار آوردن عده‌ای از دست نشاندگان خود و گرفتن يك سلسله امتیازات اقتصادی بنا دادن رشوه برای پیشرفت منظوره‌ای سیاسی .

ملت ایران باید باین قسمت از تاریخ سیاسی مملکت خود توجه کامل داشته و از روش هیأت حاکمه بی‌خبر آن بخوبی آگاه شود تا در آینده دیگر ف ریب این نیرنگهای سیاسی و خدعه‌های اقتصادی را نخورد و بفرمانروائی حکومت‌هایی از نوع هیأت‌های حاکمه سودپرست نادان بی‌بندوبار يك قرن اخیر تن در ندهد .

قسمت عده اسناد و مدارك این کتاب را از کتابخانه و بایگانی و راکد وزارت امور خارجه و کتابخانه سلطنتی و کتابخانه‌های مختلف اشخاص بدست آورده‌ام و گذشته از آنکه غالباً در متن کتاب از مأخذ و منابع ذکرى رفته در آخر نیز فهرستی از کتبی که مورد استفاده واقع شده تهیه گردیده است .

برای تهیه رونوشت اسناد و مدارك مورد احتیاج حتی المقدور سعی کرده‌ام که با دقت و بدون اختلاف با اصل باشد و بعضی از اسناد را که دسترسی باصل آنها ممکن بوده عکس برداری و عیناً گراور نموده‌ام .

باکمی وقت و مشغله زیاد کوشش بسیار برای صحت مطالب این کتاب بعمل آمده میباشد بواسطه تشتت مدارك و عدم دسترسی بهمه آنها و ناهموار بودن زمینه تحقیق در این موضوعات و همچنین عجله و شتابی که برای انتشار آن داشته‌ام ممکن است در بعضی موارد دچار سهو و خطائی شده باشم و امیدوارم خوانندگان بعین‌الرضا در آن بتنگرند و اگر به اشتباهی برخوردند بلطف و کرم خویش نگارنده را ببخشایند .

در این جا لازم میدانم از آقای حسین پاشا نوائی رئیس محترم اداره محرمانه وزارت امور خارجه و آقای عبدالصمد علی آبادی رئیس محترم اداره کتابخانه وزارت امور خارجه و سایر دوستان عزیزى که برای تهیه اسناد و مدارك و مطالب این کتاب با اینجانب کمک و راهنمایی فرموده‌اند و همچنین از مدیران شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکاء بخصوص آقای جواد اقبال که با نشر این قبیل کتب بروشن شدن افکار هم میهنان کمک مؤثری مینمایند صمیمانه تشکر کنم .

جمعه بیست و پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۳۲

ابراهیم تیموری

فهرست

بخش اول صفحه ۱

- ۱- حکومت پنجاه ساله ناصرالدین شاه صفحه ۱
- اختلاف گفتار و کردار صفحه ۱- سفرهای اروپا صفحه ۸ - ناصرالدین شاه میات روس وانگلیس صفحه ۱۳ - نمونه ای از دستورهای سیاسی ناصرالدینشاه صفحه ۱۵
- فحطالرجال صفحه ۱۸ - فساد اخلاق و خرابی تشکیلات اداری صفحه ۲۳
- ۳- میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم صفحه ۳۱
- توجه ناصرالدینشاه به سپهسالار صفحه ۳۲ - مخالفت کهنه پرستان با سپهسالار صفحه ۳۹ - سپهسالار دوباره روی کار میآید صفحه ۴۶ - روابط سپهسالار با بیگانگان صفحه ۵۰ - سپهسالار وانگلیسها صفحه ۵۱ - سپهسالار و روسها صفحه ۵۳ - عزل سپهسالار صفحه ۵۵ - مرگ سپهسالار صفحه ۵۶
- ۴- میرزا ملکم خان ناظمالدوله صفحه ۶۳
- ملکم و امتیازات صفحه ۶۶ - اعتمادالسلطنه از ملکم انتقاد میکند صفحه ۶۹
- ۴ - میرزا علی اصغر خان امینالسلطان اتابک اعظم صفحه ۷۱
- امینالسلطان بر کرسی صدارت صفحه ۷۲ - روابط امینالسلطان با انگلیسها و روسها صفحه ۷۴ - کارهای امینالسلطان اورامنفور عامه ساخته بود صفحه ۷۶ - قتل امینالسلطان صفحه ۷۹

بخش دوم صفحه ۸۰

- ۱- روابط ایران وانگلیس و امتیازاتی که انگلیسها در ایران تحصیل کرده اند صفحه ۸۰
- رقابت روسها با انگلیسها در تحصیل امتیازات صفحه ۸۹
- ۳- امتیاز بارون جولوس رویتز صفحه ۹۷
- بارون جولوس رویتز کیست صفحه ۹۷ - توجه اروپائیان به منابع ثروت ایران صفحه ۱۰۱ - بارون رویتز تقاضای تحصیل امتیاز میکند صفحه ۱۰۲ - نماینده رویتز برای مذاکره بتهران میآید صفحه ۱۰۳ - امضای امتیازنامه صفحه ۱۰۷ - متن امتیازنامه صفحه ۱۰۸ - بدای امضاء امتیازنامه صفحه ۱۱۴ - رویتز آماده اجراء امتیازنامه صفحه ۱۱۵ - ناصرالدینشاه باروفا می رود و امتیازنامه منتشر میشود صفحه ۱۱۷ - مخالفت روسها صفحه ۱۱۹ - مخالفت بعضی از رجال و علماء صفحه ۱۲۳ - شروع بکار صفحه ۱۲۹ - اقدام برای لغو امتیازنامه صفحه ۱۳۰ - سپهسالار بتهران احضار و مامور لغو امتیازنامه میشود صفحه ۱۳۱ - عدم اجراء امتیازنامه در موعد مقرر صفحه ۱۳۵ - ملاقات سپهسالار

باوزیر مختار انگلیس صفحه ۱۳۶- اعلان بطلان امتیاز نامه صفحه ۱۳۸- ملاقات سپهسالار باوزیر مختار روس صفحه ۱۴۰- اقدامات رویتر بمداز لفو امتیاز نامه صفحه ۱۴۲- مکاتبات سفارت انگلیس باوزارت امور خارجه صفحه ۱۴۶- دکتر طولوزان امتیاز نامه رویتر را خیانت میداند صفحه ۱۵۰

۴- فرمان آزادی کشتی رانی در رود کارون صفحه ۱۵۱

اهمیت رود کارون برای انگلیسها و سابقه آن صفحه ۱۵۱- هرات بجای رود کارون صفحه ۱۵۲- نامه های سفارت انگلیس صفحه ۱۵۳- فرانسویها و امتیاز کشتیرانی رود کارون صفحه ۱۵۶- ناصرالدینشاه عصبانی است صفحه ۱۶۱- تهدیدات سر درو موندولف وزیر مختار انگلیس صفحه ۱۶۴- فرمان آزادی کشتیرانی رود کارون صادر میشود صفحه ۱۶۶- مخالفت روسها صفحه ۱۶۸- بمداز افتتاح رود کارون صفحه ۱۷۶

۴- امتیاز بانك شاهنشاهی صفحه ۱۷۸

سابقه بانك در ایران صفحه ۱۷۸- بانك شاهنشاهی بجای امتیاز ۱۸۷۲ رویتر صفحه ۱۸۲- مذاکره برای تهیه امتیاز نامه صفحه ۱۸۴- امضای امتیاز نامه بانك صفحه ۱۹۰- انتقاد از امتیاز نامه صفحه ۱۹۹- ضمانت امتیاز نامه بانك شاهنشاهی صفحه ۲۰۱- تشکیل بانك صفحه ۲۰۴- حق انحصاری انتشار اسکناس صفحه ۲۰۶- منافع بانك صفحه ۲۰۷- امتیاز معادن ایران صفحه ۲۱۰

۵- امتیاز لاتاری صفحه ۴۱۴

امتیاز نامه لاتاری صفحه ۲۱۳- عقیده میرزا ملکم خان صفحه ۲۱۴- ناصرالدینشاه وقتی بتهران میآید امتیاز نامه را لغو میکند صفحه ۲۱۵- دعاوی خریداران امتیاز نامه صفحه ۲۱۶- محاکمه در يك دادگاه انگلیسی صفحه ۲۱۶- باز بررسی از ملکم خان صفحه ۲۱۸- بی اعتباری دولت ایران صفحه ۲۲۱

۶- امتیاز ساختن راه طهران بسواحل خلیج فارس صفحه ۴۴

علاقه انگلیسها با ایجاد این راه و مکاتبات مربوط بان صفحه ۲۲۳- امتیاز راه بشیرالدوله داده میشود صفحه ۲۳۱- متن امتیاز نامه صفحه ۲۳۲- انتقال امتیاز نامه بیانك شاهنشاهی و سپس بکمیانی لینچ صفحه ۲۳۴

بخش سوم صفحه ۲۳۷

۱- روابط ایران و روسیه تزاری و امتیازاتیکه روسها در ایران تحصیل

کرده اند صفحه ۲۴۷

رقیب روسها در ایران انگلیسها بودند صفحه ۲۴۲

۴- مرداب اترلی و تاسیس تجارتخانه و بیمارستان در سواحل بحر

خزر صفحه ۴۵۰

دعاوی روسها در نیمه اول قرن نوزدهم صفحه ۲۵۰- اجازه ورود کشتی های

جنگی روس بمداب اترلی صفحه ۲۵۱- میرزا آقاخان نوری از ورود کشتی های جنگی

روس بمزداب انزلی مسافرت میکند صفحه ۲۵۹ - بنای تجارتخانه صفحه ۲۶۴ - بنای
بیمارخانه صفحه ۲۶۶

۳ - شیلات صفحه ۲۷۴

روسها و شیلات صفحه ۲۷۴ - اجاره داری اتباع روس و اختلاف بین آنها صفحه
۲۷۵ - شیلات در دوره حاجی میرزا آقاسی صفحه ۲۷۷ - تهدیدات روسها صفحه ۲۷۹ -
التماس حاجی میرزا آقاسی صفحه ۲۸۲ - امیر کبیر و شیلات صفحه ۲۷۸ - میرزا آقاخان
نوری و شیلات صفحه ۲۸۹ - ایرانیها محتاج بکمک بودند صفحه ۲۹۰ - سپهسالار شیلات را
اجاره میکند صفحه ۲۹۲ - سپهسالار شیلات را به روسها اجاره میدهد صفحه ۲۹۳ - شیلات
بعد از سپهسالار صفحه ۳۰۱ - لغو قرارداد شیلات صفحه ۳۰۵ .

۴ - قزاقخانه صفحه ۳۰۹

قزاق ایران صفحه ۳۱۱

۵ - دعاوی روسها بعد از افتتوح رود کارون صفحه ۳۱۴

توسعه نفوذ انگلیسها صفحه ۳۱۳ - نارضائی روسها صفحه ۳۱۴ - پیشنهادها
روسها صفحه ۳۱۶ - رفتار خشونت آمیزی وزیر مختار روس صفحه ۳۱۹ - مقاله روزنامه
نووستی صفحه ۳۲۱ - پیشنهادهای روسها قبول میشود صفحه ۳۲۲ - ناصرالدین شاه به
اروپا میرود صفحه ۳۲۴ - سیدجمال الدین اسدآبادی مامور مذاکره به روسها میشود
صفحه ۳۲۵ - پس از بازگشت از سفر اروپا صفحه ۳۲۷ - مقررات ورود کشتیهای روس
بمزداب انزلی و رودخانههای شمالی صفحه ۳۲۹ - ساختن اسکله و انبارهای تجارتی
صفحه ۳۳۲

۶ - امتیاز استفاده از جنگل‌های مالی ایران صفحه ۳۳۳

روسها و جنگلهای شمالی صفحه ۳۳۳ - واگذاری جنگلهای شمالی بنایب السلطنه
صفحه ۳۳۳

۷ - بانک استقراضی دهنی روس صفحه ۳۴۱

صاحب امتیاز بانک استقراضی روس کیست صفحه ۳۳۶ - امتیازنامه بانک استقراضی
صفحه ۳۳۷ - اجازه استعمال لفظ بانک صفحه ۳۴۲ - اعمال بانک صفحه ۳۵۳ - بانک
استقراضی شعبه‌ای از وزارت مالیه روسیه بود صفحه ۳۴۷

۸ - امتیاز راههای شوسه و تسهیل وسائل حمل و نقل در شمال ایران

صفحه ۳۵۰

اهمیت راههای شوسه و رقابت روسها و انگلیسها صفحه ۳۵۰ - کپانی راه
آذربایجان صفحه ۳۵۱ - کپانی بیه و حمل و نقل صفحه ۳۵۲ - امتیاز ساختن راه مرشد
وقزوین صفحه ۳۵۳ - امتیاز ساختن راه قزوین بتهران صفحه ۳۵۵ - امتیاز ساختن راه
قزوین تا همدان صفحه ۳۵۵ - اجازه پاک کردن و گودنودن مرداب انزلی صفحه ۳۵۵ -
راه شوسه تبریز تا قزوین صفحه ۳۵۷

۹- امتیاز بهره برداری از معادن قراچه داغ صفحه ۴۵۹

امتیازنامه معادن قراچه داغ صفحه ۳۶۰

۱۰- استقراضهای ایران از روس و انگلیس صفحه ۴۶۵

قرض سال ۱۲۹۰ هجری قمری صفحه ۳۶۶ - قرض سال ۱۳۰۶ هجری قمری صفحه

۳۶۷ - قرض سال ۱۳۰۹ هجری قمری صفحه ۳۶۸ - قرض سال ۱۳۱۷ هجری قمری صفحه ۳۷۱

- قرض سال ۱۳۱۹ هجری قمری صفحه ۳۸۵ - قرض سال ۱۳۲۱ هجری قمری صفحه ۳۸۸

۱۱ - قرارداد گمرکی ایران با روس و انگلیس صفحه ۴۹۱

اداره گمرکات صفحه ۳۹۲ - مستشاران بلژیکی صفحه ۳۹۲ - لزوم تغییر قرارداد گمرکی

ایران و عثمانی صفحه ۳۹۵ - متن قرارداد گمرکی ایران و روس صفحه ۴۰۰ - قرارداد گمرکی

ایران و انگلیس صفحه ۴۰۴ - نظامنامه گمرکی صفحه ۴۰۹

بخش اول



حکومت پنجاه ساله

ناصرالدین شاه

ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه قریب نیم قرن یعنی مدت چهل و نه سال و یک ماه و سه روز از تاریخ ۱۴ شوال ۱۲۶۴ هجری قمری تا ۱۷ ذی القعدة ۱۳۱۳ با کمال استبداد در کشور ایران سلطنت کرد .

اختلاف مختار

و
گردار

دوران سلطنت این شخص از لحاظ تحقیق علل بدبختی و عقب ماندگی ملت ایران در تاریخ معاصر جای خاصی دارد .

اصولاً حکومت یکصد و پنجاه ساله سلسله قاجاریه در ایران برای مردم این مملکت متضمن مفاسد زیادی بوده است .

بجز آغا محمد خان موسس این سلسله که مردی باعزم و تدبیر بود و توانست در مدت کمی وحدت ایران را تأمین کند و تمام خاک کشور را در تحت حکومت واحدی در آوردد در دوران بقیه «شاهان قجر» یعنی فتحعلیشاه - محمدشاه - ناصرالدین شاه - مظفرالدین شاه - محمدعلیشاه و احمد شاه نه تنها هیچ اقدام اساسی برای بهبود وضع مردم و مملکت بعمل نیامد بلکه هر یک بنوبه خود بواسطه بی اطلاعی و سوء سیاست مرتکب لغزش های جبران ناپذیری برای ملت ایران شده اند .

در این مدت ملت ایران سرآشینی تند انحطاط و فساد را میبورد و مخصوصاً در دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه بواسطه شدت رقابتهای خانانانوسوز دولت های انگلیس و روسیه تزاری بمنظور بسط نفوذ خود در ایران و جهالت و رشوه خواری و فساد اخلاق رجال دربار ناصری و تشکیلات فاسد اداری کار مملکت را بجایی رسانید که اگر حوادثی بنفع ایران در جهان پیش نیامد امروز نه نامی از ایران بود نه از ایرانی .

از ناصرالدین شاه نوشته های زیادی بجای مانده که منکمن است تاحدی از روی آنها میتوان بروحیات و افکار او پی برد و اگر باعمال و رفتار او نیز نظر افکنیم مشاهده میکنیم که او راق زندگی این مرد مجموعه ایست از تضاد .

ناصرالدین شاه میگفت در مملکت ایران همه مردم باید از عدالت برخوردار باشند ولی دوران سلطنت او مشحون است از بی عدالتی های بسیار .

ناصرالدین شاه بوزرای خود دستور میداد برای عمران و آبادی کشور نقشه ها طرح کنند و خودش را موظف باجرای آنها میخواند ولی هیچگاه نتوانست قدم مؤثری در این راه بردارد و دو سالهای آخر که گویا از این امر مأیوس گردیده بود منابع مختلف

حیاتی مملکت را بتوان امتیاز بائین بغض باجانب واگذار میکرد .
 ناصرالدین شاه برجال دربار خود میگفت در کلیه امور باهم مشورت کنند و آزادانه
 عقاید خویش را بگویند ولی خودش بزرگترین مظهر استبداد بود .
 ناصرالدین شاه در ایران با اروپائیان خلطه و آمیزش داشت و سه سفر هم بارو پارفت
 تا بقول خود تمدن فرنک را از نزدیک ببیند و از اصولی که در دول اروپا پیروی میکنند
 برای ترقی مملکت استفاده نماید ولی دستور میداد از رفتن جوانان ایران بارو باجلو گیری
 کنند و میگفت اگر پای ایرانی بارو با بناز شود برای کشور « خیلی خیلی اثر بد
 خواهد داشت . »

برای آشنا شدن بافکار و گفته های ناصرالدین شاه نامه ذیل را که بخط اوست
 در اینجا نقل میکنم .

این نامه را ناصرالدین شاه با دست خود نوشته و متأسفانه بدون تاریخ است و خطاب
 بجمع وزراء و ظاهرا در هنگامی که میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم ایران
 است نوشته شده .

« مکر در قرقه اصلاحات امور دولت گفتگو ها شده است و کتابچه ها از ملکم و غیره خوانده (کذا)
 شده است و وزراء و نوکرهای خودمان در پیش خود و مجالس همین حرفها را زده و میزنند لیکن نتیجه که باید
 معلوم شود چیزی برسد یا فکری که مایه صلاح دولت باشد از وزراء و نوکرها هیچوجه معلوم نشده است
 و همه اثر انتقالی و نکته سنجی و ایرادات و حرف مفت گذشته است حالا از دو کار یکی را باید کرد اگر امور
 اصلاحات چاره پذیر است بگوئید و بکنید و بکنیم چرا بی جهت معطل و حیران هستید اگر چاره بردار نیست او
 و هم سرسرا بگوئید و فارغ از تفکرات بشوید و دیگر حرف تزیید کار را بروش خود و تقدیر محول نکنید .

و این گفتگو ها و تفکرات در نتیجه امور معطله یک ساعت و دو ساعت و پنج ساعت حرف زدن یا کتابچه
 خواندن یقیناً کافی نخواهد بود چگونه میشود در یک مجلس باعجله تمام وبدون غور و تأمل و حرف و بدون
 گفتگو و مشاجره صحیح از روی کمال بصیرت امور معظمه را حل نمود و قرار اصلاحات و مقدرات البته یک
 دولت بزرگی را مثل ایران داد و برخاسته (کذا) باوجود آن که در آن دو ساعت با نصف روز هم که نوشته
 خوانده شود یا خیال و تفکر مجبوری را باید متحمل شد یکی ابدأ حرف نمی زند دیگری مشغول چرت است
 دیگری ایداً حواشی در مجلس نیست باید قرار مجلس را جناب صدر اعظم اینطور مقرر نمایند اولاً هر کس در
 گفتگو آزاد باشد و ملاحظه نکند تا نایاً هر یک در حرف زدن مطلبی توبه داشته باشد که تا او حرفش را تمام نکرد
 است دیگری حرفی نزند و مغلطه نشود و هر کس رای خود را الی آخر بگوید و جواب بشنود بعد از آن آرای مجلس
 را بسنجد در هر رای که اکثریت غلبه دارد البته آن صحیح خواهد بود .

دولت یا صحیح است یا مرض است اگر صحیح است چه جای سخن اگر مرض است هیئت دولت را باید
 مثل یککفر مرض در میان گذاشت و اطباء حاذق که عبارت از وکلا و وزرای دولت هستند دور آن جمع کرد
 و استعلاج نمود و اول باید مرض را بقانون اطباء تشخیص باید داد بعد از معلوم شدن ناخوشی دوائی مطابق آن
 باید داد و خطیب نباید کرد ما امراض و امزجه هست که طیب بدون تشخیص مرض معالجه میکند و برخلاف آن
 معالجه مرض را فوراً هلاک میکند جائی که باید فصد بکند نکند جائی که باید نکند بکند البته فوراً مرض
 خواهد مرد پس بهتر اینست در آن حالت مرض را بحالت خود بگذارد بلز چندی بماند یا زنده شود
 بهتر از معالجه خطیب است

